



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ترجمه سند بال (۳):

چارچوب مقرراتی جهانی به منظور داشتن

بانکها و سیستمهای بانکی مقاومتر

(نسخه اصلاح شده: ژوئن ۲۰۱۱)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

بانک تسویه بین المللی

بخش اول

مترجم:

دکتر منصور ملکی

معاونت نظارتی

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (۹۸۲۱+)

وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
معاونت نظارتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست مطالب

مقدمه:	۱
الف. تقویت چارچوب بین‌المللی سرمایه	۳
(۱) افزایش سطح کیفیت، ثبات و شفافیت سرمایه پایه بانک‌ها	۳
(۲) تقویت سطح پوشش ریسک	۵
(۳) تکمیل الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک با شاخص نسبت اهرمی	۸
(۴) کاهش سطح هم‌راستایی با ادوار تجاری و بهبود سپرده‌های سرمایه‌ای ضد دوره‌ای	۹
اثر رفتار ادواری حداقل الزامات	۱۰
ذخیره‌گیری با رویکرد آینده‌نگر	۱۱
سرمایه حفاظتی	۱۲
رشد اعتباری بیش از حد	۱۳
(۵) در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم پیوستگی	۱۴
ب. معرفی یک استاندارد جهانی در خصوص نقدینگی	۱۵
(۱) نسبت پوشش نقدینگی	۱۷
(۲) نسبت خالص تأمین مالی با ثبات	۱۸
(۳) ابزارهای پایشی	۱۸
ج. ترتیبات مربوط به دوره گذار	۲۰
د. دامنه کاربرد	۲۰
بخش ۱: الزامات حداقل سرمایه و سپرده‌های سرمایه‌ای	۲۱
تعریف سرمایه	۲۱
الف. اجزای سرمایه	۲۱
ب. جزئیات مربوط به الزامات سرمایه‌ای	۲۲
معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف سرمایه نظارتی:	۲۴
معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱:	۲۶
معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲:	۲۹

مقدمه:

۱. این سند^۱، به همراه سند دیگری با عنوان «بال ۳: چارچوب بین‌المللی به منظور اندازه‌گیری، استانداردها و پایش ریسک نقدینگی» بیانگر اصلاحات انجام گرفته توسط کمیته بال^۲ به منظور تقویت قواعد مربوط به سرمایه و نقدینگی با هدف بهبود بخش بانکی مقاوم‌تر می‌باشد. هدف اصلاحات مذکور بهبود توانایی بخش بانکی به منظور جذب شوک‌های ناشی از بحران مالی و اقتصادی فارغ از ریشه شکل‌گیری آن بحران، در راستای کاهش ریسک سرایت از بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد است. این سند در بردارنده مجموعه مقررات و جداول زمانی جهت اجرای چارچوب بال ۳ می‌باشد.

۲. کمیته بال، در بسته اصلاحی جامع خود آموزه‌های بحران مالی اخیر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. کمیته همچنین به واسطه بسته اصلاحی، به دنبال بهبود مدیریت ریسک و حکمرانی و نیز تقویت سطح شفافیت و افشاء بانک‌ها می‌باشد.^۳ همچنین، بسته اصلاحی شامل تلاش‌های صورت گرفته توسط کمیته به منظور تقویت وضعیت حل و فصل مالی بانک‌های مهم سیستمی فرامرزی است.^۴

۳. سیستم بانکی مستحکم و مقاوم در برابر بحران، پایه رشد اقتصادی پایدار است، همچنان که

^۱ . متن حاضر ترجمه سند ذیل می‌باشد:

Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems, December 2010 (rev June 2011)

^۲ . کمیته نظارت بانکی بال در بردارنده نمایندگان ارشد مقامات نظارتی و بانک‌های مرکزی کشورهای آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هنگ‌کنگ، هندوستان، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، کره، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، روسیه، عربستان سعودی، سنگاپور، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، بریتانیا، و ایالات متحده می‌باشد. جلسات کمیته معمولاً در بانک تسویه بین‌المللی (BIS) واقع در شهر بازل سوئیس که دبیرخانه دائمی آن در این شهر قرار دارد، برگزار می‌شود.

^۳ . در جولای سال ۲۰۰۹، کمیته بال بسته‌ای از اقدامات به منظور تقویت مقررات سال ۱۹۹۶ در خصوص سرمایه دفاتر تجاری و نیز جهت بهبود ارکان چارچوب بال ۲ را نیز معرفی نمود. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Enhancements to the Basel II framework (July 2009), available at www.bis.org/publ/bcbs157.htm.

^۴ . این تلاش‌ها شامل توصیه‌های کمیته در خصوص تقویت مقامات حل و فصل مالی کشورها در سطح ملی و اجرای فرامرزی اختیاراتشان در این زمینه می‌باشد. کمیته بال گروه حل و فصل بانکی فرامرزی (Cross-border Bank Resolution Group) خود را ملزم به تهیه گزارش در خصوص این موضوعات نموده است: آموزه‌های بحران، تغییرات اخیر و تعدیلات چارچوب‌های ملی برای حل و فصل فرامرزی، مؤثرترین عوامل چارچوب‌های ملی فعلی و نیز جنبه‌هایی از چارچوب‌های فعلی ملی که ممکن است پاسخ بهینه به بحران را مختل کند. برای اطلاع از جزئیات بیشتر به این سند مراجعه شود:

Report and recommendations of the Cross-border Bank Resolution Group (March 2010), available at www.bis.org/publ/bcbs169.htm.



بانک‌ها در مرکز فرایند واسطه‌گری اعتباری بین پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران قرار دارند. علاوه بر این، بانک‌ها خدمات اساسی به مشتریان، کسب و کارهای کوچک و متوسط، شرکت‌های سهامی بزرگ و نیز دولت‌ها که به بانک‌ها برای انجام فعالیت‌های تجاری روزمره خود متکی هستند، در سطح ملی و بین‌المللی ارایه می‌نمایند.

۴. یکی از دلایل تشدید بحران مالی و اقتصادی که از سال ۲۰۰۷ آغاز شده بود، آن بود که بخش‌های بانکی در بسیاری از کشورها نسبت‌های اهرمی بالایی را در اقلام بالا و پایین خط ترازنامه داشته‌اند. این امر با فرسایش تدریجی سطح و کیفیت سرمایه پایه همراه بود. همزمان، خیلی از بانک‌ها سپرده‌های نقدینگی ناکافی در اختیار داشتند. بنابراین، نظام بانکی قادر به جذب زیان‌های اعتباری و تجاری سیستمی نبوده و همچنین نمی‌توانست واسطه‌گری مجدد منابع در معرض ریسک کلان مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه را که در نظام بانکی سایه‌ای ایجاد شده بودند را انجام دهد. این بحران به واسطه فرآیند کاهش نسبت اهرمی هم‌راستا با ادوار تجاری و نیز روابط متقابل نهادهای سیستمی از طریق مجموعه‌ای از مبادلات پیچیده تشدید گردید. در طول شدیدترین دوره بحران، بازار اعتماد خود را به قدرت ایفای تعهدات مالی و وضعیت نقدینگی بسیاری از نهادهای بانکی از دست داد. ضعف‌های ایجاد شده در بخش بانکی به سرعت به دیگر بخش‌های سیستم مالی و نیز اقتصاد واقعی سرایت کرده و منجر به یک انقباض شدید در نقدینگی و سطح دسترسی به منابع اعتباری گردید. در نهایت بخش دولتی مجبور به مداخله از طریق تزریق بی‌سابقه نقدینگی، پشتیبانی سرمایه‌ای و ارایه تضامین شد که این موضوع زیان‌های قابل توجهی را برای مالیات‌دهندگان در پی داشت.

۵. بحران مالی بر بانک‌ها، نظام‌های مالی و اقتصادهای مختلف در زمان شروع گسترش بحران به سرعت اثر گذاشت. هرچند، این بحران همچنین به چرخه وسیع‌تری از کشورهای جهان سرایت نمود. البته برای این کشورها به دلیل انقباض شدید در نقدینگی جهانی، کاهش دسترسی به منابع اعتباری بین‌المللی و نیز کاهش تقاضا برای صادرات، مسیرهای انتقال بحران کمتر به صورت مستقیم بود. با توجه به دامنه و سرعت گسترش بحران اخیر و نیز بحران‌های گذشته در سطح جهان و همچنین طبیعت غیرقابل پیش‌بینی بحران‌های آتی، ضروری است که همه کشورها سطح مقاومت بخش‌های بانکی خود را هم در برابر شوک‌های



داخلی و هم در مقابل شوک‌های خارجی افزایش دهند.

۶. کمیته بال به منظور مواجهه با شکست‌های بازار که به واسطه بحران مالی آشکار گردید، برخی از اصلاحات اساسی را در خصوص چارچوب مقرراتی بین‌المللی معرفی می‌نماید. اصلاحات مزبور باعث تقویت مقررات در سطح بانکی یا مقررات احتیاطی خرد می‌شود که در نتیجه سطح مقاومت هر کدام از نهادهای بانکی را در دوره‌های شکل‌گیری بحران افزایش می‌دهد. این اصلاحات همچنین در بردارنده یک تمرکز احتیاطی کلان است که ریسک‌های سیستمی ایجاد شده در بخش بانکی و نیز تشدید اثرات ریسک‌های مذکور هم‌راستا با ادوار تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد. پرواضح است که این رویکردهای احتیاطی مقررات نظارتی در سطح خرد و کلان متقابلاً به همدیگر مرتبطند به طوری که سطح مقاومت بالاتر هر کدام از بانک‌ها منجر به کاهش ریسک سیستمی شوک‌های ایجاد شده می‌گردد.

الف. تقویت چارچوب بین‌المللی سرمایه

۷. کمیته بال بر اساس سه رکن بیان شده در چارچوب بال ۲ به دنبال ارتقای سطح مقاومت بخش بانکی از طریق تقویت چارچوب سرمایه نظارتی می‌باشد. اصلاحات انجام گرفته به دنبال افزایش کیفیت و کمیت سرمایه نظارتی و بهبود سطح پوشش ریسک در چارچوب سرمایه است. این اصلاحات بر اساس یک نسبت اهرمی استوار است که این نسبت به عنوان پوششی محافظتی برای سنج‌های مبتنی بر ریسک سرمایه عمل کرده و به دنبال محدود کردن نسبت‌های بالای اهرمی در سیستم بانکی می‌باشد به طوری که این نسبت یک لایه اضافی محافظ در برابر ریسک‌های مدل و خطای اندازه‌گیری را فراهم می‌نماید. نهایتاً، کمیته در راستای لحاظ نمودن ریسک‌های سیستمی ناشی از فعالیت‌های هم‌راستا با ادوار تجاری و به هم‌پیوستگی‌های نهادهای مالی، برخی از اجزای مقررات احتیاطی کلان در چارچوب سرمایه را معرفی می‌نماید.

(۱) افزایش سطح کیفیت، ثبات و شفافیت سرمایه پایه بانک‌ها

۸. پشتیبانی منابع در معرض ریسک بانک‌ها توسط سرمایه‌ای با کیفیت بالا، موضوعی بسیار



حیاتی و ضروری است. بحران مالی اخیر نشان داد که زیان‌های اعتباری و کاهش ارزش دفتری دارایی‌ها از ناحیه سود انباشته که خود جزء مشخصی از حقوق صاحبان سهام می‌باشد حاصل می‌شود. این بحران همچنین ناسازگاری‌های موجود در تعریف سرمایه در بین کشورهای مختلف و نیز فقدان سطح مناسبی از افشاء که بازار را قادر به ارزیابی کامل و مقایسه کیفیت سرمایه بین نهادهای مختلف می‌سازد را آشکار نمود.

۹. در راستای این هدف، برجسته‌ترین شکل سرمایه لایه ۱ باید سهام عادی و سود انباشته باشد. به منظور حصول اطمینان از اینکه شرکت‌های غیرسهامی سطوح قابل قبولی از سرمایه با کیفیت لایه ۱ را نگهداری می‌کنند، استاندارد بیان شده در این سند از طریق مجموعه‌ای از اصول که می‌تواند با توجه به شرایط شرکت‌های مذکور مورد استفاده قرار گیرد، تقویت شده است. در این خصوص، کسورات از سرمایه و فیلترهای احتیاطی به طور بین‌المللی هماهنگ شده و به طور کلی در سطح حقوق صاحبان سهام عادی یا معادل آن در خصوص شرکت‌های غیرسهامی اعمال می‌گردد. سایر اقلام مربوط به سرمایه لایه ۱ باید متشکل از ابزارهای سرمایه‌ای باشند که تبعی بوده، پرداخت سود آن‌ها کاملاً صلاح‌دیدنی باشد و سود قابل پرداخت تجمیعی یا کوپن سود نداشته و نیز تاریخ سررسید و انگیزه‌ای برای بازخرید آن‌ها وجود نداشته باشد. همچنین، ابزارهای نوآورانه سرمایه‌ای چندوجهی^۵ که به واسطه برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر شروط پرداخت سود پلکانی برای بازخرید آن‌ها انگیزه وجود دارد و در حال حاضر محدود به ۱۵ درصد از سرمایه لایه ۱ می‌باشد، به مرور از محاسبات لایه ۱ خارج خواهد شد. علاوه بر این، ابزارهای سرمایه‌ای لایه ۲ در سطح بین‌المللی هماهنگ خواهد شد و نیز ابزارهای سرمایه لایه ۳ که تنها برای پوشش ریسک‌های بازار در نظر گرفته می‌شدند، حذف می‌گردد. نهایتاً، به منظور بهبود نظم بازار، سطح شفافیت سرمایه پایه بهبود خواهد یافت به طوری که همه اقلام سرمایه به همراه گزارشات حسابداری تلفیق شده با جزئیات کامل باید افشاء گردد.

۱۰. کمیته تغییرات مزبور را به نحوی معرفی می‌نماید که اخلال و ناهماهنگی در مورد ابزارهای سرمایه‌ای که در حال حاضر در محاسبات گنجانده شده‌اند به حداقل ممکن برسد. این کمیته همچنین، به بررسی نقش سرمایه احتیاطی که باید در چارچوب سرمایه نظارتی ایفا نماید را

⁵. Innovative hybrid capital instruments



ادامه می‌دهد.

(۲) تقویت سطح پوشش ریسک

۱۱. یکی از آموزه‌های کلیدی بحران اخیر، درک وجود نیاز برای تقویت سطح پوشش ریسک در چارچوب سرمایه بانک‌ها بوده است. عدم موفقیت در لحاظ نمودن ریسک‌های اصلی اقسام بالا و پایین خط ترانزنامه و نیز ابزارهای مشتقه مربوطه در منابع در معرض ریسک یکی از عوامل کلیدی بی‌ثبات کننده در طول وقوع بحران بود.

۱۲. در پاسخ به این کاستی‌ها، کمیته بال در جولای ۲۰۰۹ برخی از اصلاحات اساسی مربوط به چارچوب بال ۲ را معرفی نمود. مجموعه این اصلاحات منجر به افزایش سطح الزامات سرمایه‌ای برای منابع در معرض ریسک مربوط به دفاتر تجاری و اوراق بهادارسازی‌های پیچیده که یکی از منابع اصلی ایجاد زیان برای بسیاری از بانک‌های فعال بین‌المللی بودند، گردید. روش محاسباتی ارتقاء یافته مزبور، مفهومی را با عنوان الزامات سرمایه‌ای بر اساس ارزش در معرض ریسک تحت شرایط بحران^۶ مبتنی بر یک دوره مستمر ۱۲ ماهه شرایط بحران مالی قابل توجه، معرفی می‌نماید. علاوه بر این، کمیته الزامات سرمایه‌ای بالاتری را نیز برای آنچه که تحت عنوان اوراق بهادار سازی مجدد^۷ نامیده می‌شود معرفی نموده که این الزامات هم برای دفاتر تجاری و هم برای دفاتر بانکی اعمال می‌گردد. این اصلاحات همچنین، استانداردهای مربوط به فرایند ارزیابی نظارتی رکن ۲ و نیز ضوابط افشاء رکن ۳ را تقویت می‌نماید. الزامات مربوط به تقویت رکن ۱ و رکن ۳ باید تا پایان سال ۲۰۱۱ اجرا گردد؛ استانداردهای اصلاحی مربوط به رکن ۲ از زمانی که در جولای ۲۰۰۹ معرفی گردید الزامی شده‌اند. کمیته همچنین در حال انجام یک بازنگری اساسی در مورد دفاتر تجاری بانک است. انتظار می‌رود که این بازنگری اساسی در دفاتر تجاری تا پایان سال ۲۰۱۱ به انجام رسد.

۱۳. این سند همچنین سنجه‌هایی را به منظور تقویت الزامات سرمایه‌ای برای منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل، ناشی از فعالیت‌های مربوط به تأمین مالی بانک از طریق

^۶ . stressed value-at-risk (VaR)

^۷ . securitisations



ابزارهای مشتقه، توافقنامه بازخرید و اوراق بهادار معرفی می‌نماید. این اصلاحات منجر به افزایش سطح سپرده‌های سرمایه‌ای برای پشتیبانی از این‌گونه منابع در معرض ریسک، کاهش میزان رفتارهای هم‌راستا با ادوار تجاری بانک‌ها و ایجاد انگیزه‌های بیشتر به منظور انتقال قراردادهای مبادله اوراق مشتقه در خارج از بورس (فرا بورس) به اتاق پایاپای طرف‌های مقابل مرکزی^۸ خواهد شد که جملگی باعث کمک به کاهش ریسک سیستمی در سیستم مالی می‌گردد. اصلاحات مزبور همچنین انگیزه‌هایی را برای تقویت سطح مدیریت ریسک منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل ایجاد می‌کند.

۱۴. برای دستیابی به این هدف، کمیته اصلاحات ذیل را معرفی می‌نماید:

الف) با نگاهی آینده‌نگر، بانک‌ها باید الزامات سرمایه‌ای خود را برای ریسک اعتباری طرف مقابل با استفاده از داده‌های شرایط بحران تعیین نمایند. این رویکرد باعث در نظر گرفتن نگرانی‌ها در خصوص کاهش شدید پوشش‌های سرمایه‌ای در دوره انقباض نوسانات بازار و کمک به لحاظ نمودن حرکت هم‌راستا با ادوار تجاری بانک‌ها خواهد شد. این رویکرد که مشابه رویکرد معرفی شده برای ریسک بازار است، همچنین باعث بهبود بیشتر مدیریت بکاپ‌چه ریسک بازار و ریسک اعتباری طرف مقابل خواهد شد.

ب) بانک‌ها ملزم به نگهداری پوشش سرمایه برای زیان‌های بالقوه ناشی از تعدیل ارزش دارایی بر اساس ارزش بازار «یعنی ریسک تعدیل ارزش گذاری اعتباری^۹ (CVA)» که مرتبط با کاهش رتبه اعتباری طرف مقابل است، می‌باشند. گرچه استاندارد بال ۲ ریسک نکول طرف مقابل را پوشش می‌دهد، لکن استاندارد مزبور ریسک CVA را که منبع زیان مهم‌تری نسبت به زیان‌های ناشی از نکول متداول است در نظر نمی‌گیرد.

ج) کمیته بال در حال تقویت استانداردهای مربوط به مدیریت وثایق و حاشیه اولیه ارزش وام و ارزش وثیقه می‌باشد. بانک‌های دارای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه با حجم بالا و غیر نقد مربوط به طرف مقابل می‌باشند، لازم است دوره‌های زمانی طولانی‌تری را برای محاسبه حاشیه ارزش وثیقه از وام به عنوان پایه‌ای برای تعیین الزامات سرمایه نظارتی در نظر گیرند. همچنین، استانداردهای دیگری نیز به منظور تقویت اقدامات مربوط به

^۸ . central counterparties

^۹ . credit valuation adjustment



مدیریت ریسک و تایید اتخاذ گردیده است.

د) به منظور در نظر گرفتن ریسک سیستمی که ناشی از به هم پیوستگی‌های بانک‌ها و دیگر نهادهای مالی از طریق بازارهای اوراق مشتقه می‌باشد، کمیته بال از تلاش‌های صورت گرفته کمیته نظام‌های پرداخت و تسویه^{۱۰} (CPSS) و نیز سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^{۱۱} (IOSCO) جهت پایه‌ریزی استانداردهای محکم برای زیرساخت‌های بازار مالی از جمله اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل پشتیبانی می‌نماید. فرایند افزایش سرمایه پوششی برای منابع در معرض ریسک بانک مربوط به اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل^{۱۲} (CCPs) بر میزان تطبیق CCPs مزبور با چنین استانداردهایی که بعد از یک فرایند دریافت نظرات مشورتی در سال ۲۰۱۱ نهایی خواهد شد، مبتنی خواهد بود. و تایید بانک و منابع در معرض ریسک ارزش‌گذاری شده بر اساس قیمت بازار در اتاق‌های پایاپای طرف مقابل مرکزی که این اصول مترقی را برآورده سازند، وزن ریسک پایین، ۲ درصد پیشنهادی خواهند داشت و منابع در معرض ریسک مربوط به وجوهی که در اتاق‌های پایاپای مرکزی نکول شده‌اند بر اساس الزامات سرمایه‌ای حساس به ریسک وزن دهی خواهند شد. این معیار، همراه با الزامات سرمایه‌ای تقویت شده برای منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه دوجانبه خارج از بورس، انگیزه‌های قوی‌تری را برای بانک‌ها به منظور انتقال این‌گونه منابع در معرض ریسک به CCPs ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این، به منظور در نظر گرفتن ریسک سیستمی در بخش مالی، کمیته همچنین اوزان ریسک مربوط به منابع در معرض ریسک برای نهادهای مالی را در مقایسه با بخش شرکت‌های غیرمالی را از آن جهت که منابع در معرض ریسک مالی نسبت به منابع در معرض ریسک غیرمالی همبستگی بسیار بیشتری با هم دارند، افزایش می‌دهد.

ه) کمیته به دنبال ارتقاء استانداردهای مربوط به مدیریت ریسک اعتباری طرف مقابل در برخی زمینه‌ها از جمله برای طرز مواجهه با ریسک روش نادرست (wrong-way risk) یعنی حالتی که منابع در معرض ریسک همزمان با کاهش کیفیت اعتباری طرف مقابل افزایش می‌یابد، می‌باشد. این کمیته همچنین، رهنمود تکمیلی نهایی را برای انجام

¹⁰ . Committee on Payments and Settlement Systems

¹¹ . International Organization of Securities Commissions

¹² . central counterparties



صحیح آزمون گذشته نگر^{۱۳} در خصوص منابع در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل را منتشر نمود.

۱۵. در نهایت، کمیته بال برخی از اقدامات در خصوص کاهش سطح اتکا به رتبه‌بندی بیرونی در چارچوب بال ۲ را ارزیابی نمود. این اقدامات شامل الزاماتی برای بانک‌ها به منظور انجام ارزیابی داخلی خود برای منابع در معرض ریسک از نوع اوراق بهادار سازی که به صورت بیرونی رتبه‌بندی شده‌اند، حذف «اثرات صخره^{۱۴}» مشخص و مرتبط با فعالیت‌های کاهنده ریسک اعتباری، و نیز ترکیب عناصر کلیدی مبانی رفتار حرفه‌ای برای نهادهای رتبه‌بندی اعتباری منتشره از سوی IOSCO با معیارهای قابل قبول کمیته برای استفاده از رتبه‌بندی بیرونی در چارچوب سرمایه می‌باشد. کمیته همچنین در حال انجام یک بازنگری اساسی در خصوص چارچوب اوراق بهادارسازی با در نظر گرفته میزان اتکا آن به رتبه‌بندی بیرونی می‌باشد.

(۳) تکمیل الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک با شاخص نسبت اهرمی

۱۶. یکی از ویژگی‌های اصلی بحران مالی ایجاد نسبت اهرمی بالا برای اقلام بالا و پایین خط ترازنامه در سیستم بانکی بود. ایجاد نسبت‌های اهرمی بالا همچنین از جمله ویژگی‌های بحران‌های مالی قبلی مثلاً بحران منتهی به سپتامبر سال ۱۹۹۸ بوده است. در طول شدیدترین دوره بحران، بخش بانکی به منظور کاهش نسبت اهرمی تحت فشار بازار بود به طوری که فشار معکوس بر قیمت دارایی‌ها، چرخه سریع‌تر بازخورد مثبت بین زیان‌ها، کاهش در سرمایه بانک و نیز کاهش در سطح دسترسی به اعتبار تشدید گردید. بر این اساس، کمیته مجموعه الزامات مربوط به نسبت اهرمی به منظور دستیابی به اهداف زیر را معرفی می‌نماید:

➤ محدود کردن سطح اهرمی در بخش بانکی؛ این امر باعث کمک به کاهش ریسک فرآیندهای بی‌ثبات‌کننده کاهش نسبت اهرمی که می‌تواند سیستم بانکی و کل اقتصاد را مختل نماید، می‌شود؛ و

¹³ . backtesting

¹⁴ . cliff effects



➤ معرفی یک حفاظ اضافی در مقابل خطای اندازه‌گیری و ریسک مدل با تکمیل اندازه‌گیری مبتنی بر ریسک از طریق یک سنجه ساده، شفاف و مستقل از ریسک.

۱۷. نسبت اهرمی با استفاده از یک روش قابل مقایسه بین کشورهای مختلف که با توجه به تفاوت‌های موجود در استانداردهای حسابداری تعدیل شده است، محاسبه می‌شود. کمیته، نسبت اهرمی را به عنوان سنجه‌ای تکمیلی و معتبر برای الزامات مبتنی بر ریسک با نظرداشت حرکت به سمت اجرایی کردن رکن ۱ بر اساس یک بررسی و تنظیم‌گری مناسب طراحی نموده است.

(۴) کاهش سطح هم‌راستایی با ادوار تجاری و بهبود سپرده‌های سرمایه‌ای ضد دوره‌ای

۱۸. یکی از عناصر مهم بی‌ثبات‌کننده در بحران، تشدید شوک‌های مالی هم‌راستا با ادوار تجاری در نظام بانکداری، بازارهای مالی و کل اقتصاد بوده است. تمایل فعالان بازار به رفتار هم‌راستا با ادوار تجاری به واسطه کانال‌های اثرگذار مختلف از جمله از طریق استانداردهای حسابداری برای دارایی‌های قیمت‌گذاری شده بر اساس ارزش بازار و وام‌های قابل نگهداری تا سررسید، فعالیت‌های مربوط به محاسبه حاشیه ارزش و نیز از طریق بالا بردن و رها سازی سطح اهرمی در بین نهادهای مالی، بنگاه‌ها و نیز مصرف‌کنندگان تشدید شده است. کمیته بال برخی از اقدامات را به منظور افزایش سطح مقاومت بانک‌ها در برابر این گونه پویایی‌های هم‌راستا با ادوار تجاری معرفی می‌کند. این اقدامات به حصول اطمینان از این که بخش بانکی به عنوان یک جذب‌کننده شوک به جای منتقل‌کننده ریسک به سیستم مالی و کل اقتصاد عمل می‌کند، کمک خواهد نمود.

۱۹. علاوه بر نسبت اهرمی که در قسمت قبل مورد بحث قرار گرفت، کمیته برخی دیگر از اقدامات به منظور در نظر گرفتن اثرات هم‌راستایی با ادوار تجاری و افزایش سطح مقاومت بخش بانکی در زمان‌های مناسب را معرفی می‌نماید. این اقدامات اهداف کلیدی زیر را دنبال می‌نماید:

➤ تعدیل هرگونه آثار اضافی ادواری در خصوص حداقل الزامات سرمایه؛

➤ ارتقاء روش ذخیره‌گیری بر اساس نگاه آینده‌نگر؛



- نگهداری سرمایه به منظور ایجاد سپرهای حفاظتی در سطح بانک‌ها و کل بخش بانکی که قابلیت استفاده در شرایط بحران را داشته باشد؛ و
- دستیابی به هدف احتیاطی کلان و وسیع‌تر در خصوص مراقبت بخش بانکی در دوره‌های زمانی رشد اضافی اعتبار.

اثر رفتار ادواری حداقل الزامات^{۱۵}

۲۰. چارچوب بال ۲ سطح حساسیت به ریسک و نیز سطح پوشش الزامات سرمایه نظارتی را افزایش داد. در واقع، یکی از مهم‌ترین پویایی‌های حرکت هم‌راستا با ادوار تجاری، ناتوانی چارچوب سرمایه و مدیریت ریسک به منظور در نظر گرفتن منابع در معرض ریسک کلیدی - از جمله فعالیت‌های تجاری پیچیده، اوراق بهادارسازی مجدد و منابع در معرض ریسک مربوط به اقلام زیر خط ترازنامه - در مراحل گسترش یافته بحران بوده است. لکن، بدون معرفی درجه مشخصی از اثر رفتار ادواری در الزامات حداقل سرمایه در طول زمان، امکان دستیابی به حساسیت نسبت به ریسک در نهادهای مالی در یک مقطع زمانی مشخص امکان‌پذیر نیست. کمیته از این موضوع در طول طراحی چارچوب بال ۲ آگاه بود و بر این اساس، برخی از پوشش‌های حفاظتی را به منظور در نظر گرفتن اثرات بیشتر رفتار ادواری در تعیین حداقل الزامات را معرفی نمود. این پوشش‌های حفاظتی شامل الزامات مربوط به استفاده از داده‌های با افق زمانی بلندمدت به منظور تخمین احتمال نکول، معرفی تخمین‌های نزولی زیان در صورت نکول (LGD)، و نیز واسنجی^{۱۶} مناسب توابع ریسک می‌باشد که این موارد تخمین‌های مربوط به زیان را به الزامات سرمایه نظارتی تبدیل می‌سازد. کمیته همچنین بانک‌ها را ملزم به انجام آزمون‌های بحران نمود تا در نتیجه تغییرات نزولی سبدهای دارایی اعتباری آن‌ها در طول دوره رکود مورد توجه قرار گیرد.

۲۱. علاوه بر این، کمیته یک فرآیند اولیه جامع مربوط به جمع‌آوری اطلاعات را به منظور ارزیابی اثر چارچوب بال ۲ بر کشورهای عضو در طول چرخه اعتباری پایه‌ریزی نموده است. چنانچه اثرات رفتار ادواری حداقل الزامات از آنچه مقام‌های ناظر مناسب تشخیص می‌دهند بیشتر

¹⁵ . Cyclicalty of the minimum requirement

¹⁶ . calibration



باشد، آنگاه کمیته تمهیدات بیشتری را به منظور تعدیل چنین اثرات رفتارهای ادواری اتخاذ خواهد کرد.

۲۲. کمیته برخی از اقدامات اضافی را که مقامات ناظر در صورت لزوم می‌توانند به منظور حصول به سطح تعادل مناسب‌تری از حساسیت به ریسک و ثبات الزامات سرمایه‌ای اتخاذ کنند را مورد ارزیابی قرار داده است. به طور خاص، دامنه اقدامات ممکن شامل رویکرد اتخاذ شده توسط کمیته ناظران بانکی اتحادیه اروپا (CEBS) جهت استفاده از فرآیند رکن ۲ به منظور تعدیل تخمین‌ها برای کاهش سطح احتمال نکول (PD) در الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB) در طول شرایط اعتباری مطلوب با استفاده از تخمین‌های PD برای سبد دارایی‌های یک بانک در شرایط رکودی می‌باشد^{۱۷}. در همین زمینه، مؤسسه خدمات مالی بریتانیا (FSA) با هدف تخمین احتمال‌های نکول غیرادواری در الزامات مبتنی بر رویکرد رتبه‌بندی داخلی از طریق استفاده از یک متغیر کمی که داده‌های تولیدی یک مدل PD بانک را به تخمین‌های درون دوره‌ای تبدیل می‌نماید، رویکردی را پیشنهاد نموده است^{۱۸}.

ذخیره‌گیری با رویکرد آینده‌نگر

۲۳. کمیته به دنبال تقویت فرآیند ذخیره‌گیری قوی‌تر از طریق سه اقدام ابتکاری مرتبط است. اول اینکه، این کمیته از تغییر در استانداردهای حسابداری به سمت رویکرد زیان مورد انتظار (EL) حمایت می‌کند. کمیته قویاً از ابتکار^{۱۹} IASB به دلیل حرکت به سمت یک رویکرد EL پشتیبانی می‌کند. هدف اصلی آن است که سودمندی و میزان مرتبط بودن گزارشات مالی برای ذی‌نفعان مختلف از جمله مقامات مقررات‌گذار احتیاطی بهبود یابد. کمیته سندی را مشتمل بر مجموعه‌ای از اصول راهنمای مترقی که باید اصلاحات صورت گرفته برای جایگزینی سند IAS 39 را هدایت کند، به طور عمومی منتشر کرده که در اختیار IASB نیز قرار گرفته است^{۲۰}.

^{۱۷}. برای اطلاع از جزئیات بیشتر رجوع شود به سند ذیل:

www.c-eps.org/getdoc/715bc0f9-7af9-47d9-98a8-778a4d20a880/CEBS-position-paper-on-a-counter-cyclical-capital-b.aspx.

^{۱۸}. برای اطلاع از جزئیات بیشتر رجوع شود به سند ذیل:

www.fsa.gov.uk/pubs/international/variable_scalars.pdf.

^{۱۹}. International Accounting Standards Board

^{۲۰}. برای جزئیات بیشتر سند مربوط به اصول راهنما برای بازنگری استانداردهای حسابداری برای صورت‌های مالی منتشر شده توسط کمیته بال در سال ۲۰۰۹ (www.bis.org/press/p090827.htm) را ملاحظه نمایید.



کمیته از رویکرد مبتنی بر زیان مورد انتظار که زیان‌های واقعی را با شفافیت بیشتری در بر می‌گیرد و همچنین نسبت به رویکرد فعلی «زیان محقق شده» هم‌راستایی کمتری با ادوار تجاری دارد، پشتیبانی می‌کند.

۲۴. ثانیاً، کمیته در حال به روزرسانی رهنمود نظارتی خود در جهت سازگاری با فرآیند حرکت به سمت رویکرد مبتنی بر زیان مورد انتظار می‌باشد. این رهنمود ناظران بانکی را در جهت بهبود فعالیت‌های ذخیره‌گیری قوی‌تر تحت رویکرد مطلوب زیان مورد انتظار راهنمایی خواهد کرد.

۲۵. ثالثاً، این کمیته به دنبال ایجاد انگیزه‌هایی به منظور ذخیره‌گیری قوی‌تر در چارچوب سرمایه‌گذاری می‌باشد.

سرمایه حفاظتی

۲۶. کمیته به دنبال معرفی چارچوبی جهت بهبود سطح محافظت از سرمایه و نیز ایجاد سپرده‌های حفاظتی کافی بالاتر از حداقل‌های لازم که البته امکان کاهش در دوره‌های بحران را دارند، می‌باشد.

۲۷. در شروع دوره بحران مالی، برخی از بانک‌ها به رغم شرایط نامطلوب مالی و نیز چشم‌انداز روبه‌وخامت بخش بانکی، به توزیع منابع با حجم بالا از طریق توزیع سود سهام، بازخرید سهام و پرداخت‌های جبرانی سخاوتمندانه خود ادامه دادند. بیشتر این اقدامات به واسطه وجود یک مشکل رفتار گروهی بانک‌ها شکل گرفت، به طوری که کاهش سطح سود توزیعی به عنوان نشان‌های از وجود یک ضعف تلقی می‌شد. با این وجود، این اقدامات هرکدام از بانک‌ها و نیز کل بخش بانکی را آسیب‌پذیرتر نمود. خیلی از بانک‌ها سریعاً به حالت سودآوری بازگشتند لکن اقدام کافی به منظور تجدید ساختار سپرده‌های سرمایه‌ای خود به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های جدید وام‌دهی انجام ندادند. با در نظر گرفتن همه این موارد، این پویایی در سیستم بانکداری منجر به افزایش میزان هم‌راستایی با ادوار تجاری گردید.

۲۸. به منظور مواجهه با این شکست بازار، کمیته به دنبال معرفی چارچوبی است که بر اساس آن ناظران بانکی ابزارهای قوی‌تری را به منظور بهبود سطح سرمایه‌های حفاظتی در اختیار داشته باشند. با اجرایی کردن این چارچوب از طریق استانداردهای محافظت از سرمایه که مورد



توافق بین‌المللی باشد، به افزایش سطح مقاومت بخش بانکی در دوره‌ای که به سمت رکود پیش می‌رود کمک خواهد شد و نیز این چارچوب مکانیزم‌هایی را به منظور بازسازی سرمایه در طی دوره اصلاحات اقتصادی فراهم خواهد کرد. علاوه بر این، چارچوب مذکور برای مجاز بودن آرایه پاسخ‌های سازگار با استاندارد از سوی ناظران و بانک‌ها، از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار است.

رشد اعتباری بیش از حد

۳۹. همان‌گونه که در طول بحران مالی مشاهده گردید، زیان‌های بخش بانکی در دوره رکود که با رشد اعتباری بیش از حد آغاز گردید می‌تواند به طور قابل توجهی بالا باشد. چنین زیان‌های هنگفتی که می‌تواند بخش بانکی را بی‌ثبات نماید، همچنین می‌تواند باعث وقوع یا تشدید رکود در بخش واقعی اقتصاد گردد. در ادامه این موضوع می‌تواند بخش بانکی را با بی‌ثباتی بیشتری مواجه سازد. این ارتباط درونزا، نشان دهنده اهمیت ویژه بخش بانکی در خصوص ایجاد حفاظ‌های سرمایه‌ای در دوره‌ای که سطح اعتبار به سطوح بسیار بالایی رشد می‌کند، می‌باشد. ساخت چنین سپرهای حفاظتی، مزیت‌های اضافی دیگری را نیز از جمله کمک به تعدیل رشد اعتباری بیش از حد خواهد داشت.

۳۰. کمیته بال به دنبال معرفی نظامی است که منجر به تعدیل دامنه سپرهای سرمایه‌ای از طریق مکانیزم محافظت سرمایه اشاره شده در بخش قبل، زمانی که نشانه‌هایی از رشد اعتبار به سطوح فزاینده وجود دارد، می‌گردد. هدف سپر سرمایه‌ای ضد ادواری، دستیابی به هدفی گسترده‌تر از نظارت احتیاطی کلان در خصوص مراقبت از بخش بانکی در دوره‌های رشد بیش از حد کل اعتبار می‌باشد.

۳۱. اقدامات مربوط به در نظر گرفتن اثرات رفتار هم‌دوره‌ای به نحوی طراحی شده‌اند که بتوانند مکمل یکدیگر باشند. تدابیر اتخاذ شده در خصوص ذخیره‌گیری بر تقویت سیستم بانکی در برابر زیان‌های پیش‌بینی شده تمرکز دارد، در حالی که اقدامات سرمایه‌ای بر زیان‌های پیش‌بینی نشده متمرکز است. در خصوص اقدامات سرمایه‌ای، تمایزی بین اقدامات مربوط به در نظر گرفتن اثرات ادواری مربوطه به حداقل الزامات و نیز ایجاد سپرهای سرمایه‌ای بالاتر از حداقل‌های مقرر وجود دارد. در واقع، این موضوع ثابت شده است که حتی در غیاب



اثرات ادواری حداقل الزامات، سپرده‌های قوی سرمایه‌ای بالاتر از حداقل‌های الزامات سرمایه‌ای برای بانک‌ها بسیار حیاتی می‌باشند. نهایتاً، الزامات مربوط به در نظر گرفتن رشد اعتباری بیش از حد در شرایط عادی به میزان صفر تعیین می‌شود و فقط در دوره‌های زمانی که میزان دسترسی به اعتبار به طور فزاینده‌ای به وقوع بپیوندد، افزایش خواهد یافت. با این حال، حتی در صورت عدم وجود حباب اعتباری، ناظران از بخش بانکی انتظار دارند که سپر حفاظتی فراتر از حداقل‌های لازم جهت محافظت آن‌ها در برابر شوک‌های محتمل شدید که از منابع مختلفی می‌توانند نشأت گیرند، ایجاد نمایند.

(۵) در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم پیوستگی

۳۲. در حالی که اثرات هم‌راستایی با ادوار تجاری منجر به تشدید شوک در طی دوره زمانی بحران می‌شود، به هم پیوستگی‌های بیش از حد در میان بانک‌های مهم سیستمی نیز باعث انتقال این شوک‌ها به سیستم مالی و اقتصاد می‌گردد. ضروری است، بانک‌های مهم سیستمی سرمایه برای جذب زیان فراتر از حداقل استاندارد مورد نیاز داشته باشند که این موضوع در دست بررسی است. کمیته بال با همکاری هیأت ثبات مالی در حال تدوین یک رویکرد یکپارچه برای نهادهای مالی مهم سیستمی هستند که این رویکرد شامل ترکیبی از سرمایه اضافی^{۲۱}، سرمایه احتیاطی^{۲۲}، و تأمین مالی از طریق منابع داخلی^{۲۳} می‌باشد. به عنوان بخشی از تلاش صورت گرفته، کمیته در حال تدوین طرحی است که بیانگر روش شناسی ترکیبی از شاخص‌های کیفی و کمی به منظور ارزیابی اهمیت سیستمی نهادهای مالی در سطح جهانی می‌باشد. کمیته، مطالعه‌ای را نیز در خصوص ابعاد توان جذب زیان اضافی که نهادهای مالی سیستمی بین‌المللی باید دارا باشند انجام می‌دهد. این مطالعه همچنین در بردارنده‌ی یک ارزیابی از میزان جذب زیان در شرایط تداوم فعالیت که باید با ابزارهای پیشنهادی مختلف فراهم شود، می‌باشد. علاوه بر این، تحلیل صورت گرفته توسط کمیته، اقدامات دیگری را در جهت کاهش ریسک‌ها و یا اثرات بیرونی مرتبط با بانک‌های سیستمی، شامل نقدینگی اضافی، محدودیت‌های محکم‌تر مربوط به تسهیلات کلان و نظارت قوی‌تر پوشش می‌دهد.

²¹ . capital surcharges

²² . contingent capital

²³ . bail-in



این کمیته تلاش‌های خود در این خصوص را در نیمه اول سال ۲۰۱۱ بر اساس فرایندها و برنامه‌های زمانی تعیین شده در توصیه‌های هیأت ثبات مالی ادامه خواهد داد.

۳۳. الزامات سرمایه‌ای چندگانه معرفی شده توسط کمیته بال به منظور کاهش ریسک‌های ناشی از تسهیلات اعطایی در سطح بنگاه در میان نهادهای مالی بین‌المللی، به در نظر گرفتن ریسک سیستمی و به هم‌پیوستگی نیز کمک خواهد کرد. این الزامات شامل موارد ذیل است:
- انگیزه‌های سرمایه‌ای برای بانک‌ها به منظور استفاده از اتاق پایاپای مرکزی طرف مقابل برای اوراق مشتقه معامله شده در فرابورس؛
 - الزامات سرمایه‌ای بیشتر برای مبادله و فعالیت‌های تجاری مربوط به اوراق مشتقه، اوراق بهادارسازی‌های پیچیده و نیز منابع در معرض ریسک پایین خط ترازنامه (مانند ابزارهای سرمایه‌گذاری ساختاریافته^{۲۴})؛
 - الزامات سرمایه‌ای بیشتر برای تسهیلات اعطایی در بخش مالی؛ و
 - معرفی الزامات نقدینگی که بر اساس آن اتکاء بیش از حد به تأمین مالی کوتاه مدت بین بانکی به منظور پوشش دارایی‌های بلندمدت، مشمول جریمه خواهد شد.

ب. معرفی یک استاندارد جهانی در خصوص نقدینگی

۳۴. الزامات سرمایه‌ای سخت‌گیرانه برای ثبات بخش بانکی امری ضروری است اما به تنهایی کافی نمی‌باشد. یک پایه نقدینگی محکم نیز که از طریق استانداردهای قوی نظارتی اعمال می‌گردد دارای اهمیت یکسانی است. هرچند تاکنون در این زمینه استانداردهای یکسان بین‌المللی وجود نداشته است. بر این اساس، کمیته بال به دنبال معرفی استانداردهای جهانی هماهنگ در خصوص نقدینگی می‌باشد. همانند استانداردهای جهانی در خصوص سرمایه، استانداردهای مربوط به نقدینگی، الزامات حداقلی را تعیین خواهد کرد و نیز سطوح بین‌المللی در خصوص فضای رقابتی را جهت پیشگیری از یک رقابت شدید رو به افول بهبود خواهد داد.
۳۵. در اوایل "مرحله نقدینگی" بحران مالی، بسیاری از بانک‌ها - به رغم داشتن سطوح کافی از سرمایه - به دلیل عدم مدیریت محتاطانه نقدینگی خود با مشکلاتی مواجه گردیدند. بار دیگر

²⁴. structured investment vehicles



بحران مالی این نکته را یادآور شد که نقدینگی در جهت کارکرد صحیح بازارهای مالی و بخش بانکی از اهمیت برخوردار است. قبل از بحران، بازارهای مربوط به دارایی شناور بودند و نیز تأمین مالی با هزینه پایین و با سهولت در دسترس بود. بازگشت سریع در شرایط بازار نشان داد که نقدینگی به چه سرعتی می‌تواند کاسته شود و وضعیت کمبود نقدینگی می‌تواند برای یک دوره زمانی طولانی مدت ادامه یابد. سیستم بانکی تحت یک بحران شدید قرار گرفت، در نتیجه بانک مرکزی به منظور پشتیبانی از عملکرد بازارهای پولی و نیز در برخی موارد، پشتیبانی از برخی نهادها، ناگزیر از اقدام بود.

۳۶. مشکلاتی که برخی از بانک‌ها با آن مواجه شدند به دلیل انحراف در اصول پایه‌ای مربوط به مدیریت ریسک نقدینگی بود. در واکنش به این موضوع، کمیته بال در سال ۲۰۰۸، «اصول مربوط به مدیریت و نظارت صحیح ریسک نقدینگی» را به عنوان مبانی چارچوب نقدینگی خود منتشر نمود^{۲۵}. اصول صحیح مزبور رهنمودهای جزئی را در خصوص نظارت و مدیریت ریسک مربوط به ریسک نقدینگی در تأمین مالی فراهم نمود که انتظار می‌رود سطح مدیریت ریسک را در این زمینه حیاتی ارتقاء دهد، لکن این موضوع تنها با اجرای کامل اصول توسط بانک‌ها و ناظران بانکی قابل تحقق خواهد بود. همین‌طور، کمیته به منظور حصول اطمینان از پذیرش و اجرای این اصول بنیادین توسط ناظران، با جدیت در حال ایجاد هماهنگی لازم می‌باشد.

۳۷. به منظور تکمیل این اصول، کمیته چارچوب نقدینگی را با تدوین دو استاندارد حداقلی برای نقدینگی تأمین مالی تدوین نموده است. یک جزء تکمیلی چارچوب نقدینگی شامل مجموعه‌ای از سنج‌های پایشی به منظور بهبود سازگاری نظارتی در سطح برون‌مرزی می‌باشد.

۳۸. این استانداردها به منظور حصول به دو هدف مجزا اما مکمل همدیگر تدوین شده است. اولین هدف آن است که سطح مقاومت کوتاه مدت بانک در خصوص نمایه ریسک نقدینگی آن بانک از طریق حصول اطمینان از وجود منابع نقد با کیفیت بالا جهت ادامه فعالیت بانک تحت سناریوی بحران شدید که به مدت یک ماه به طول انجامد، بهبود یابد. کمیته بال به منظور



دستیابی به این هدف، نسبت پوشش نقدینگی^{۲۶} (LCR) را تدوین نمود. دومین هدف آن است که سطح مقاومت بانک در یک افق زمانی بلندمدت از طریق ایجاد انگیزه های بیشتر برای بانک ها به منظور تأمین مالی فعالیت های خود با منابع با ثبات تر تأمین مالی بر یک پایه ساختاری مستمر، افزایش یابد. نسبت تأمین مالی خالص با ثبات^{۲۷} (NSFR) یک افق زمانی یک ساله دارد و به منظور فراهم نمودن یک ساختار سررسیدی پایدار مربوط به دارایی ها و بدهی ها تدوین شده است.

۳۹. این دو استاندارد در برگیرنده پارامترهای مشخص که در سطح بین المللی بر اساس ارزش های تعیین شده همگون شده اند، می باشند. به منظور انعکاس شرایط خاص هر کشور، پارامترهای مشخص شامل عناصری به صلاحدید ناظران ملی می باشد. در این زمینه، لازم است پارامترهای مذکور در مقررات هر کشور به طور شفاف و روشن بیان شود تا شفافیت لازم را هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی فراهم آورد.

(۱) نسبت پوشش نقدینگی

۴۰. نسبت LCR به دنبال دستیابی به این هدف است که سطح مقاومت بانک در برابر اختلال های نقدینگی بالقوه در طول دوره زمانی سی روزه بهبود یابد. این نسبت کمک خواهد کرد که این اطمینان ایجاد شود که بانک های بین المللی دارایی های نقد با کیفیت بالا و مکفی دارند و بدون مشکل می توانند جریان خروجی خالص نقد را که تحت یک سناریوی بحران شدید که ممکن است بانک با آن مواجه شود، پوشش دهند. سناریوی مذکور بر اساس شرایط تجربه شده در بحران مالی بین المللی که از سال ۲۰۰۷ شروع شد طراحی می شود و در بردارنده ویژگی های خاص نهاد مربوطه و نیز شوک های سیستمی می باشد. این سناریو شامل یک شوک قابل توجه اما نه بدترین حالت می باشد و فروض زیر را در نظر می گیرد:

➤ کاهش قابل توجه در رتبه اعتباری نهاد مذکور؛

➤ از دست رفتن بخشی از سپرده ها؛

➤ از دست دادن منابع عمده تأمین مالی تضمین نشده؛

²⁶ . Liquidity Coverage Ratio

²⁷ . Net Stable Funding Ratio



- افزایش قابل توجه در ضرایب تعدیل تأمین مالی تضمین شده؛ و
 - افزایش در درخواست وثیقه از نوع اوراق مشتقه و نیز درخواست‌های قابل توجه برای منابع در معرض ریسک مربوط به ارقام پایین خط ترازنامه از نوع قراردادی یا غیرقراردادی، شامل اعتبار تعهد شده و تسهیلات نقدینگی.
۴۱. لازم است در قبال نگهداری دارایی‌های نقد با کیفیت، تعهدی وجود نداشته باشد، در طول یک دوره زمانی ایجاد بحران، دارایی مذکور قابلیت نقد شدن در بازار و در حالت ایده‌آل، قابلیت پذیرش توسط بانک مرکزی را داشته باشند.

(۲) نسبت خالص تأمین مالی با ثبات

۴۲. نسبت NSFR بیان‌کننده الزام به نگهداری حداقلی از میزان منابع تأمین مالی با ثبات در بانک با توجه به وضعیت نقدشوندگی دارایی‌ها و نیز امکان بالقوه نیازهای محتمل نقدینگی ناشی از تعهدات پایین خط ترازنامه، در یک افق زمانی یک‌ساله می‌باشد. نسبت مذکور به دنبال دستیابی به این هدف است که اتکاء بیش از حد به تأمین مالی عمده کوتاه‌مدت در طول دوره زمانی رونق در نقدینگی بازار محدود شده و نیز بانک‌ها برای ارزیابی بهتر از ریسک نقدینگی مربوط به ارقام بالا و پایین خط ترازنامه ترغیب گردند.

(۳) ابزارهای پایشی

۴۳. در حال حاضر، مقامات نظارتی دامنه متنوعی از ابزارهای کمی را به منظور پایش نمایه ریسک نقدینگی نهادهای بانکی و نیز برای کل بخش مالی به منظور نظارت احتیاطی کلان مورد استفاده قرار می‌دهند. در یک مطالعه انجام شده در بین اعضای کمیته بال که در اوایل سال ۲۰۰۹ انجام گرفت، مشخص شد که بیش از ۲۵ ابزار و مفهوم مختلف توسط مقامات نظارتی در سطح بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور ایجاد سازگاری بیشتر در سطح بین‌المللی، کمیته بال مجموعه‌ای از سنجه‌های معمولی که باید به عنوان انواع مختلف حداقل اطلاعاتی که مقامات نظارتی باید مورد استفاده قرار دهند را تدوین نمود. علاوه بر این، مقامات نظارتی می‌توانند سنجه‌های بیشتری به منظور در نظر گرفتن ریسک‌های خاص مربوط به کشور خود را نیز مورد استفاده قرار دهند. سنجه‌های پایشی شامل موارد ذیل است



که در صورت انجام بررسی‌های بیشتر توسط کمیته، این سنجه‌ها گسترش می‌یابند. موضوعی که به طور خاص در صورت بررسی بیشتر ابزارهای پایشی بدان پرداخته خواهد شد مربوط به ریسک نقدینگی روزانه می‌باشد.

الف) عدم تطابق سررسید قراردادی: جهت حصول درکی از جنبه‌های پایه‌ای نیازهای نقدینگی یک بانک، بانک‌ها باید به طور متناوب عدم تطابق سررسید قراردادی را مورد ارزیابی قرار دهند. این سنجه، یک پایه اندازه‌گیری اولیه و ساده را در خصوص تعهدات قراردادی فراهم کرده و می‌تواند به منظور مقایسه نمایه‌های ریسک نقدینگی نهادهای مختلف و نیز در صورت امکان ایجاد نیازهای نقدینگی بالقوه به منظور آگاه نمودن بانک‌ها و مقام ناظر مفید واقع شود.

ب) تمرکز منابع تأمین مالی: این سنجه شامل تحلیل میزان تمرکز منابع عمده تأمین مالی که توسط طرف‌های مقابل، ابزارها و یا ارزش‌های خاصی فراهم شده‌اند، می‌باشد. شاخص مذکور که میزان تمرکز منابع عمده تأمین مالی را پوشش می‌دهد، به مقامات نظارتی کمک می‌کند که میزان ریسک نقدینگی تأمین مالی بانک‌ها در شرایطی که یک یا چند منبع تأمین مالی، بازپس گرفته شوند را مورد ارزیابی قرار دهد.

ج) دارایی‌های آزاد در دسترس: این سنجه میزان دارایی‌های آزاد بانک که می‌تواند به طور بالقوه به عنوان وثیقه برای اخذ منابع مالی تضمین شده از بازار و یا تسهیلات اعتباری بانک مرکزی مورد استفاده قرار گیرد را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص باید بانک‌ها (و نیز مقامات نظارتی) را نسبت به توانایی بالقوه بانک به منظور افزایش منابع مالی تضمین شده اضافی با در نظر گرفتن این موضوع که در یک وضعیت بحرانی این توانایی ممکن است کاهش یابد، آگاه‌تر نماید.

د) شاخص LCR برای ارزش‌های عمده: با توجه به اینکه ریسک نرخ ارز جزئی از ریسک نقدینگی قلمداد می‌شود، به منظور پایش و مدیریت سطح عمومی و روند منابع در معرض ریسک مربوط به ارزش‌های خارجی لازم است که شاخص LCR برای هر کدام از ارزش‌های مهم مورد ارزیابی قرار گیرد.

ه) ابزارهای پایشی مرتبط با بازار: به منظور داشتن منبعی از داده‌های لحظه‌ای مربوط به



مشکلات بالقوه نقدیدنگی در بانکها، برخی از داده های مفید به منظور انجام فعالیت های پایشی شامل این موارد است: داده های مربوط به قیمت دارایی و نقدیدنگی در سطح بازار، اطلاعات مرتبط با نهاد مربوطه از جمله نرخ حاشیه سود اوراق CDS²⁸ و قیمت سهام و نیز اطلاعات اضافی خاص نهاد مربوطه که با توانایی آن نهاد برای تأمین مالی در بازارهای مالی عمده و نیز قیمتی که می تواند بر اساس آن تأمین مالی انجام دهد، مرتبط است.

ج. ترتیبات مربوط به دوره گذار

۴۴. کمیته بال به منظور اجرای استانداردهای جدید که می توانند این اطمینان را ایجاد نمایند که بخش بانکی قادر به رعایت استانداردهای سرمایه ای بالاتر از طریق نگهداری میزان قابل قبولی از سود و نیز افزایش سرمایه، همراه با پشتیبانی از اقتصاد به وسیله عملیات وام دهی می باشد، به دنبال معرفی ترتیبات مربوط به دوره گذار است. ترتیبات مربوط به دوره گذار در متن سند مربوط به قواعد نقدیدنگی بال (۳) توضیح داده شده است که در پیوست ۴ این سند نیز به طور خلاصه آمده است.

۴۵. بعد از یک دوره آزمایشی که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، شاخص LCR از اول ژانویه سال ۲۰۱۵ به طور رسمی معرفی خواهد شد. شاخص NSFR نیز از اول ژانویه سال ۲۰۱۸ به عنوان یک استاندارد حداقلی معرفی می گردد. کمیته بال فرآیندهای محکمی را به منظور گزارش دهی در خصوص پایش نسبت ها در طول دوره گذار انجام خواهد داد و در صورت نیاز بررسی نحوه پیاده سازی این استانداردها برای بازارهای مالی، میزان توسعه تخصیص اعتبار و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نتایج ناخواسته را نیز ادامه خواهد داد.

۴۶. هر دو نسبت LCR و NSFR مشروط به یک دوره انجام آزمایشی خواهند بود که در بردارنده شرط ارزیابی به منظور در نظر گرفتن هرگونه نتیجه ناخواسته و پیش بینی نشده می باشند.

د. دامنه کاربرد

۴۷. نحوه کاربرد الزامات حداقل سرمایه در این سند همان دامنه کاربرد ذکر شده در بخش اول



دامنه کاربرد) چارچوب بال (۲) می‌باشد.^{۲۹}

بخش ۱: الزامات حداقل سرمایه و سپرده‌های سرمایه‌ای

۴۸. سیستم بانکی بین‌المللی با سطحی ناکافی از سرمایه با کیفیت بالا وارد بحران گردید. بحران مالی همچنین ناسازگاری در تعریف سرمایه در بین کشورهای مختلف و فقدان سطح افشای مورد نیاز که بازار را قادر به ارزیابی کامل و مقایسه کیفیت سرمایه در بین کشورهای مختلف نماید، را آشکار نمود. یکی از عناصر کلیدی در تعریف جدید سرمایه، تمرکز بیشتر بر سهام عادی به عنوان با کیفیت‌ترین جزء سرمایه یک بانک می‌باشد.

تعریف سرمایه

الف. اجزای سرمایه

اجزای تشکیل دهنده سرمایه

۴۹. کل سرمایه نظارتی شامل مجموع اجزای ذیل می‌باشد:

۱. سرمایه لایه ۱ (سرمایه در شرایط تداوم فعالیت)

۱-۱. سرمایه عادی لایه ۱

۲-۱. سرمایه اضافی لایه ۱

۲. سرمایه لایه ۲ (سرمایه در شرایط عدم امکان تداوم فعالیت)

برای هر کدام از سه ردیف سرمایه بالا (۱-۱، ۱-۲ و ۲) مجموعه واحدی از معیارها که

ابزارهای واجد شرایط برای قرار گرفتن در آن طبقه باید داشته باشند، وجود دارد.^{۳۰}

²⁹ . BCBS, *International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards*, June 2006 (hereinafter referred to as "Basel II" or "Basel II Framework").

³⁰ . همان‌طور که در سند مشورتی کمیته در آگوست ۲۰۱۰ (طرح ایجاد اطمینان از قابلیت جذب زیان سرمایه نظارتی از زمان عدم توانایی ایفای تعهدات بانک) ذکر گردیده، و همان‌طور که در خبرنامه‌های کمیته در ۱۹ اکتبر سال ۲۰۱۰ و اول دسامبر ۲۰۱۰ بیان شده است، کمیته بال در حال نهایی کردن معیارهای اضافی دیگر برای سرمایه اضافی لایه ۱ و سرمایه لایه ۲ می‌باشد. به محض نهایی شدن، معیارهای اضافی به چارچوب سرمایه نظارتی افزوده خواهد شد.



حدود و حداقل‌ها

- ۵۰. کلیه اجزای سرمایه ذکر شده در بالا از تمامی تعدیلات نظارتی مرتبط خالص شده‌اند و مشروط به حدود زیر می‌باشند (پیوست ۱ را نیز مشاهده کنید):
- نسبت سرمایه عادی لایه ۱ یا 31 (CET1) باید همواره حداقل به میزان ۴,۵٪ دارایی‌های موزون شده به ریسک باشد.
- نسبت سرمایه لایه ۱ باید همواره به میزان حداقل ۶٪ از دارایی‌های موزون شده به ریسک باشد.
- نسبت کل سرمایه (مجموع سرمایه لایه ۱ و سرمایه لایه ۲) باید همواره حداقل به میزان ۸٪ دارایی‌های موزون شده به ریسک باشد.

ب. جزئیات مربوط به الزامات سرمایه‌ای

- ۵۱. در این بخش اصطلاح «بانک» برای بانک، گروه بانکی یا هر نهادی (مانند شرکت هلدینگ) که سرمایه آن محاسبه می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱. سرمایه عادی لایه ۱

- ۵۲. سرمایه عادی لایه ۱ شامل مجموع اقلام ذیل می‌باشد:
- سهام عادی منتشر شده توسط بانک که معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف نظارتی را دارد (یا اقلام متناظر برای شرکت‌های غیرسهامی):
- صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در بخش سرمایه عادی لایه ۱ قرار دارند؛
- سود انباشته؛
- مجموع سایر درآمدهای جامع و سایر اندوخته‌ها^{۳۲}؛

³¹. Common Equity Tier 1

³². تعدیلی که جهت حذف سود یا زیان تحقق نیافته شناسایی شده در ترازنامه از سرمایه عادی لایه ۱ مورد استفاده قرار گیرد وجود ندارد. زبان‌های تحقق نیافته مشروط به ترتیبات مربوط به دوره گذار که در پاراگراف ۹۴ (ج) و (د) ذکر شده است، می‌باشد. کمیته بال بررسی خود در خصوص چگونگی در نظر گرفتن سود تحقق نیافته را با ملاحظه تحولات صورت گرفته در چارچوب‌های حسابداری ادامه خواهد داد.



- سهام عادی منتشر شده توسط واحدهای تابعه بانک و مشمول تلفیق که توسط شخص ثالث نگهداری می‌شود (مانند اقلیت) و در بردارنده معیارهای قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ را داشته باشد. بخش ۴ را در خصوص معیارهای مرتبط ملاحظه نمایید؛ و
 - تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ به کار می‌رود.
- سود انباشته و دیگر درآمدهای جامع شامل سود و زیان میان دوره‌ای نیز می‌باشد. مقامات رسمی می‌توانند فرآیندهای حسابرسی، تأیید و یا بررسی را در این خصوص در نظر گیرند. طبق استانداردهای حسابداری، سود سهام تقسیم شده از سرمایه عادی لایه ۱ حذف می‌شود. نحوه در نظر گرفتن حقوق اقلیت و نیز تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه عادی لایه ۱ به کار می‌روند در بخشی مجزا بدان پرداخته می‌شود.

سهام عادی منتشر شده توسط بانک

۵۳. برای آنکه یک ابزار سرمایه‌ای بتواند در سرمایه عادی لایه ۱ شامل شود باید همه معیارهایی که در ادامه خواهد آمد را داشته باشد. اکثر بانک‌های فعال بین‌المللی دارای ساختار شرکت‌های سهامی هستند و برای این بانک‌ها معیارهای مذکور باید تنها در غالب سهام عادی وجود داشته باشد^{۳۳}. در برخی موارد نادر که بانک‌ها نیاز به انتشار سهام عادی فاقد حق رأی به عنوان بخشی از سرمایه عادی لایه ۱ دارند، لازم است که اینگونه سهام‌ها در کلیه جنبه‌ها به جز عدم داشتن حق رأی کاملاً با سهام عادی دارای حق رأی، یکسان باشند.

^{۳۳}. شرکت‌های سهامی به عنوان شرکت‌هایی تعریف می‌شوند که سهام عادی منتشر می‌کنند، صرف‌نظر از اینکه سهام مزبور به صورت خصوصی و یا عمومی نگهداری شوند. این چارچوب بیانگر ساختار حقوقی اکثریت غالب بانک‌های فعال بین‌المللی می‌باشد.



معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سهام عادی برای اهداف سرمایه‌نظارتی^{۳۴}:

۱. بیانگر مطالبه با پایین‌ترین ارجحیت در شرایط تصفیه بانک باشد.
۲. پس از پرداخت همه مطالبات ممتاز در زمان تصفیه، بیانگر مطالبه‌ای برای دارایی‌های باقی‌مانده که متناسب با سهم آن از سرمایه‌منتشر شده می‌باشد. (یعنی یک مطالبه نامشخص و متغیر و نه مطالبه‌ای ثابت و تعیین شده)
۳. اصل آن ماهیت همیشگی دارد که به جز در شرایط تصفیه و انحلال هرگز بازپرداخت نمی‌شود. (در این خصوص بازخرید از روی صلاحدید یا دیگر راهکارهای کاهش سرمایه به صورت مؤثر طبق روش صلاحدید که تحت قوانین مرتبط مجاز است را باید مجزا نمود.)
۴. بانک نباید اقدامی انجام دهد که در زمان انتشار سهم این انتظار شکل گیرد که ابزار مربوطه بازخرید، برگشت یا لغو می‌گردد و همچنین هیچ قید قراردادی یا قانونی که حاوی ویژگی‌های باشد که منجر به شکل‌گیری چنین انتظاری شود، نباید وجود داشته باشد.
۵. سود توزیعی باید از ارقام قابل توزیع پرداخت شود (شامل سود انباشته). سطح سود توزیع شده نباید به هر روشی مرتبط یا وابسته به مبلغ پرداخت شده در زمان انتشار بوده و نیز مقید به هیچ حد قراردادی نباشد. (به جز در حالتی که بانک قادر به پرداخت سود توزیعی به دلیل فزونی مبلغ آن نسبت به میزان ارقام قابل توزیع، نمی‌باشد.)
۶. تحت هیچ شرایطی توزیع سود الزامی نمی‌باشد. عدم پرداخت سود به معنی نکول نیست.
۷. سود قابل توزیع تنها در شرایطی پرداخت می‌شود که تمامی تعهدات قراردادی و قانونی رعایت شده و پرداخت‌های مربوط به ابزارهای سرمایه‌ای ارجح صورت پذیرفته باشد. این بدان معنی است که هیچ‌گونه پرداخت سود ترجیحی وجود ندارد، این موضوع شامل سایر اقلامی که به عنوان سرمایه منتشر شده با بالاترین کیفیت طبقه‌بندی می‌شود نیز می‌گردد.
۸. سرمایه منتشر شده‌ای است که اولین و بزرگترین سهم از زیان‌هایی که به وقوع می‌پیوندد را متناسب با سهم خود جذب می‌کند^{۳۵}. به عنوان سرمایه با بالاترین کیفیت، هر ابزاری که زیان‌ها را در شرایط تداوم فعالیت به طور متناسب و هم‌ردیف با سایر اقلام جذب می‌نماید، به عنوان سرمایه با بالاترین کیفیت محسوب می‌شود.

^{۳۴}. این معیارها همچنین برای شرکت‌های غیرسهامی مانند صندوق‌های مشترک، نهادهای تعاونی یا پس‌انداز، با در نظر گرفتن اساسنامه مشخص و ساختار حقوقی آنها کاربرد دارد. کاربرد این معیارها باید همراه با حفظ سطح کیفیت ابزارهای سرمایه‌ای مربوطه باشد با این الزام که از لحاظ کیفیت سرمایه به منظور جذب زیان، این ابزارها باید کاملاً متناظر با سهام عادی بوده و دارای ویژگی‌هایی که باعث تضعیف بانک جهت تداوم فعالیت در دوره شکل‌گیری بحران در بازار می‌گردد، نباشد. به منظور اطمینان از وجود سازگاری در خصوص کاربرد معیارها برای شرکت‌های غیرسهامی مقامات نظارتی با یکدیگر تبادل اطلاعات خواهند داشت.

^{۳۵}. در شرایطی که ابزارهای سرمایه‌ای حاوی ویژگی‌هایی در خصوص کاهش دائمی ارزش دفتری آن‌ها از حساب‌ها هستند، این معیار کماکان بوسیله سهام عادی رعایت می‌شود.



۹. در حالت عدم ایفای تعهدات بر اساس ترازنامه، مبلغ پرداخت شده (paid in) به عنوان حقوق صاحبان سهام شناسایی می‌شود. (به عنوان بدهی شناسایی نمی‌شود)
۱۰. مبلغ پرداخت شده بر اساس استانداردهای حسابداری مربوطه به عنوان حقوق صاحبان سهام طبقه‌بندی می‌شود.
۱۱. مستقیماً به وسیله بانک منتشر شده و کاملاً پرداخت شده است و همچنین بانک نمی‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.
۱۲. مبلغ پرداخت شده نمی‌تواند توسط ضامن ناشر سهام یا شخص مرتبط^{۳۶} تضمین یا پوشش داده شده باشد و یا نباید مقید به ترتیبات دیگری باشد که قانوناً یا بنا به دلایل اقتصادی اولویت این مطالبه را ارتقاء دهد.
۱۳. صرفاً با تأیید مالکان بانک ناشر منتشر می‌شود. تأیید مزبور می‌تواند به صورت مستقیم توسط مالکان یا در صورت مجاز بودن بر اساس قانون مربوطه، توسط هیأت مدیره یا سایر افرادی که به نحو مقتضی توسط مالکان تعیین شده‌اند، صورت پذیرد.
۱۴. باید به طور شفاف و مجزا در ترازنامه بانک افشاء شده باشد.

۲. سرمایه اضافی لایه ۱

۵۴. سرمایه اضافی لایه ۱ شامل مجموع اقلام زیر می‌باشد:

- ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز ویژگی‌های قابل قبول برای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشند (و جزء اقلام سرمایه عادی لایه ۱ نیستند)؛
- صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار می‌گیرند.
- ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه بانک که توسط اشخاص ثالث نگهداری می‌شود و معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ را دارا بوده و نیز جزء اقلام سرمایه عادی لایه ۱ محسوب نمی‌شوند. بخش ۴ را در خصوص معیارهای مربوطه ملاحظه نمایید؛ و
- تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳۶. شخص مرتبط می‌تواند شامل شرکت مادر، شرکت خواهر، شرکت تابعه یا دیگر نهادهای وابسته باشد. یک شرکت هلدینگ فارغ از اینکه چگونه بخشی از گروه بانکی مشمول تلفیق را شکل می‌دهد یک شخص مرتبط است.



در بخشی مجزا به نحوه در نظر گرفتن ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق با بانک و نیز تعدیلات نظارتی در محاسبه سرمایه اضافی لایه ۱ پرداخته می‌شود.

ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حائز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ می‌باشند
 ۵۵. جدول زیر حاوی حداقل معیارهای لازم برای ابزارهای منتشر شده توسط بانک به منظور قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ می‌باشد.

معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱:

۱. منتشر شده و کاملاً پرداخت شده باشند.
۲. نسبت به سپرده‌گذاران، بستانکاران عمومی و بدهی‌های تبعی بانک از اولویت پایین‌تری برخوردار باشند.
۳. نه تضمین شده باشند و نه از طریق ضمانت ناشر یا شخص مرتبط پوشش داده شود و یا ترتیبات دیگری که به طور قانونی یا به دلایل اقتصادی منجر به ارتقای اولویت این مطالبه در برابر بستانکاران بانک می‌شود، وجود نداشته باشد.
۴. ماهیت دائمی دارد، بدان معنی که تاریخ سررسید و نیز پرداخت‌های پلکانی سود و دیگر انگیزه‌های بازخرید وجود ندارد.
۵. قابل بازخرید توسط منتشر کننده اولیه تنها بعد از حداقل پنج سال و با در نظر گرفتن شرایط زیر می‌باشد:
 - الف. به منظور اعمال اختیار خرید توسط بانک، اخذ تأیید اولیه مقام ناظر ضروری است؛ و
 - ب. بانک نباید اقدامی انجام دهد که منجر به ایجاد حالتی استثناء شود که امکان خرید را فراهم نماید؛ و
 - ج. بانک نباید اقدام به خرید اوراق نماید مگر در حالت‌های زیر:

۱. بانک ابزار خریداری شده را با سرمایه از همان ردیف سرمایه‌ای یا با کیفیت بالاتر جایگزین نماید و جایگزینی این سرمایه در شرایطی انجام شود که بر اساس ظرفیت درآمدی بانک قابل انجام باشد^{۳۷}؛ یا
۲. بانک باید نشان دهد که پس از اعمال اختیار خرید، وضعیت سرمایه‌ای آن

^{۳۷}. انتشار اوراق جایگزین می‌تواند همزمان و نه بعد از آنکه ابزارها برای خرید فراخوانده شوند، صورت پذیرد.



بانک بالاتر از حداقل الزامات سرمایه‌ای باقی خواهد ماند^{۳۸}.

۶. هرگونه بازپرداخت اصل (که می‌تواند از طریق بازخرید صورت پذیرد) باید با تأیید اولیه مقام ناظر صورت پذیرد و بانک‌ها نباید چنین فرضی را مطرح کنند یا چنین انتظار بازاری را ایجاد کنند که تأیید مقام ناظر قطعاً داده خواهد شد.

۷. سود سهام یا کوپن سود باید صلاح‌دیدنی باشد:

الف. بانک باید در هر زمان اختیار کامل به منظور تصمیم برای عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود را داشته باشد^{۳۹}.

ب. تصمیم صلاح‌دیدنی مبنی بر عدم پرداخت نباید به عنوان نکول تلقی شود.

ج. بانک‌ها باید دسترسی کامل به منابع حاصل از عدم پرداخت‌ها به منظور ایفای تعهدات سررسید شده را داشته باشند.

د. عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود نباید منجر به اعمال محدودیت‌هایی برای بانک گردد مگر در خصوص سود تقسیمی برای صاحبان سهام عادی.

۸. سود نقدی یا کوپن سود باید از محل ارقام قابل توزیع پرداخته شود.

۹. این ابزار نمی‌تواند دارای ویژگی سود نقدی وابسته به وضعیت اعتباری باشد، به این معنی که سود نقدی یا کوپن سود به صورت دوره‌ای بر اساس تمام یا بخشی از وضعیت اعتباری نهاد مربوطه تجدید گردد.

۱۰. انتشار این ابزارها نباید باعث فزونی بدهی‌ها بر دارایی‌ها شود که در این صورت ترازنامه مربوطه بخشی از قانون عدم ایفای تعهدات ملی را شامل خواهد شد.

۱۱. ابزارهای سرمایه‌ای که برای اهداف حسابداری جزء بدهی‌ها طبقه‌بندی می‌شوند باید واجد اصل خصوصیت جذب زیان بدین ترتیب باشند: (۱) امکان تبدیل به سهام عادی در یک نقطه شروع که از قبل مشخص است یا (۲) وجود مکانیزم کاهش ارزش (write-down) که زیان‌ها را به ابزارهای مربوطه در یک نقطه شروع که از قبل مشخص است تخصیص می‌دهد. مکانیزم کاهش ارزش در دفاتر اثرات زیر را به دنبال خواهد داشت:

الف. در شرایط تصفیه، مطالبات مربوط به ابزار سرمایه‌ای را کاهش می‌دهد؛

ب. اقدام بانک به خرید ابزار باعث کاهش میزان بازپرداخت می‌شود؛ و

^{۳۸}. حدود حداقل در اینجا به الزامات حداقلی تعیین شده توسط مقام ناظر باز می‌گردد که می‌تواند از حداقل الزامات رکن ۱ بال ۳ بیشتر باشد.

^{۳۹}. یکی از نتایج صلاح‌دید کامل در هر زمان به منظور تصمیم به عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود آن است که فعالیت تضمین سود (dividend pushers) مجاز نخواهد بود. ابزاری که همراه با تضمین سود باشد، در صورتی که بانک برای سایر ابزارهای سرمایه‌ای (نوعاً ابزارهای ارجح‌تر) پرداختی را انجام داده باشد بانک منتشرکننده را مجبور به پرداخت سود یا کوپن برای ابزار می‌کند. این تعهد با الزام برای پرداخت سود صلاح‌دیدنی در هر زمان ناسازگار است. علاوه بر این، اصطلاح "تصمیم به عدم پرداخت یا عدم تقسیم سود" به معنی ملغی کردن اینگونه پرداخت‌ها می‌باشد. این موضوع باعث می‌شود، بانک در انجام اقداماتی که آن را ملزم به پرداخت یا تقسیم سود می‌نماید، مجاز نباشد.



ج. تمام یا بخشی از پرداخت‌های مربوط به سود نقدی یا کوین سود برای ابزار مربوطه کاهش می‌یابد.

۱۲. بانک و شخص مرتبط که بانک بر آن کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه دارد نمی‌توانند ابزار را خریداری کند و همچنین بانک نباید مستقیم یا غیرمستقیم به منظور خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.

۱۳. این ابزار نمی‌تواند حایز ویژگی‌هایی که از تأمین مجدد سرمایه جلوگیری نماید، باشد، مانند شروطی که بر اساس آن در صورت انتشار ابزار جدید با قیمت پایین‌تر در یک بازه زمانی مشخص، ناشر را ملزم به جبران برای سرمایه‌گذاران ابزار مربوطه می‌نماید.

۱۴. چنانچه ابزار توسط یک نهاد عملیاتی یا شرکت هلدینگ مشمول در گروه تلفیقی منتشر نشده باشد (یعنی از طریق شرکت مالی با اهداف خاص یا SPV منتشر شده است)، عایدات حاصل از انتشار باید فوراً و بدون محدودیت به صورتی در اختیار نهاد عملیاتی^{۴۰} یا شرکت هلدینگ در گروه تلفیقی قرار گیرد که ابزار مربوطه واجد همه معیارهای قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشد.

صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار می‌گیرند؛

۵۶. صرف سهامی که واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه عادی لایه ۱ نباشد، تنها در صورتی می‌تواند در سرمایه اضافی لایه ۱ قرار گیرد که سهام موجود صرف سهام مذکور مجاز به قرار گرفتن در سرمایه اضافی لایه ۱ باشد.

۳. سرمایه لایه ۲

۵۷. سرمایه لایه ۲ شامل مجموع ارقام زیر می‌باشد:

➤ ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز ویژگی‌های قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ باشند (و نیز در سرمایه لایه ۱ قرار نگرفته باشند)؛

➤ صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه لایه ۲ قرار دارند؛

➤ ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق بانک که توسط اشخاص ثالث نگهداری می‌شوند و حایز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می‌باشند و در سرمایه

^{۴۰} یک نهاد عملیاتی به نهادی گفته می‌شود که به منظور انجام یک فعالیت تجاری با مشتریان به منظور کسب سود شکل گرفته باشد.



لایه ۱ نیز قرار ندارند. بخش ۴ را برای معیارهای مرتبط ملاحظه نمایید؛

➤ ذخایر اختصاصی به شرحی که در بندهای ۶۰ و ۶۱ آمده است؛ و

➤ تعدیلات نظارتی که در محاسبه سرمایه لایه ۲ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نحوه در نظر گرفتن ابزارهای منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق بانک و نیز

تعدیلات نظارتی در محاسبه سرمایه لایه ۲ در بخشی مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ابزارهای منتشر شده توسط بانک که حایز معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می‌باشند

۵۸. هدف سرمایه لایه ۲ فراهم نمودن امکان جذب زیان در شرایط عدم تداوم فعالیت

(gone-concern) می‌باشد. بر این اساس، در ادامه حداقل معیارهای لازم برای قرار گرفتن

در سرمایه لایه ۲، اشاره خواهد شد.

معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲:

۱. منتشر شده و کاملاً پرداخت شده باشد.
۲. نسبت به مطالبات مربوط به سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران عمومی بانک از اولویت پایین‌تری برخوردار باشد.
۳. این اوراق نه تضمین شده‌اند و نه هیچ‌گونه پوشش ضمانتی از طرف ناشر یا اشخاص مرتبط برای آن وجود دارد و همچنین ترتیبی که قانوناً یا به دلایل اقتصادی بتوان بر اساس آن اولویت این مطالبه را نسبت به سپرده‌گذاران و دیگر بستانکاران عمومی بانک افزایش دهد، وجود ندارد.
۴. سررسید:
 - الف. حداقل سررسید اصلی باید پنج سال باشد؛
 - ب. شناسایی آن در سرمایه نظارتی در طول پنج سال باقی‌مانده تا سررسید بر اساس روش خط مستقیم مستهلک گردد؛
 - ج. هیچ‌گونه مکانیزمی از طریق پرداخت سود پلکانی و یا دیگر انگیزه‌ها برای بازخرید آن وجود نداشته باشد.



۵. تنها بعد از حداقل پنج سال از انتشار با تصمیم ناشر و با در نظر گرفتن شرایط زیر قابل بازخرید باشند:

الف. قبل از اقدام به بازخرید، اخذ تأیید اولیه از مقام ناظر توسط بانک الزامی است؛

ب. بانک نباید اقدامی انجام دهد که منجر به ایجاد این انتظار گردد که امکان بازخرید اوراق وجود دارد،^{۴۱} و

ج. بانک نباید اقدام به بازخرید نماید مگر پس از احراز شرایط زیر:

۱. بانک ابزار خریداری شده را با سرمایه از همان سطح و یا با کیفیت بالاتر جایگزین کند و جایگزینی این سرمایه با شرایطی انجام شود که متناسب با ظرفیت درآمدی بانک باشد^{۴۲}؛ یا
۲. بانک باید نشان دهد که وضعیت سرمایه ای آن بانک بعد از اقدام به بازخرید اوراق به خوبی بالاتر از حداقل الزامات سرمایه ای است^{۴۳}.

۶. سرمایه گذار نباید هیچ حقی مبنی بر تسریع بازپرداخت پرداخت های برنامه ریزی شده آتی (کوپن سود یا اصل) داشته باشد، مگر در شرایط ورشکستگی یا تصفیه بانک.

۷. این ابزار نمی تواند دارای ویژگی سود نقدی وابسته به وضعیت اعتباری باشد، به این معنی که سود نقدی یا کوپن سود به صورت دوره ای بر اساس تمام یا بخشی از وضعیت اعتباری نهاد مربوطه تجدید گردد.

۸. بانک و شخص مرتبط که بانک بر آن کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه دارد نمی تواند ابزار را خریداری کنند و نیز بانک نباید به طور مستقیم یا غیرمستقیم خرید این ابزار را تأمین مالی نماید.

۹. چنانچه ابزار توسط یک نهاد عملیاتی یا شرکت هلدینگ مشمول در گروه تلفیقی منتشر نشده باشد (یعنی از طریق شرکت مالی با اهداف خاص یا SPV منتشر شده است)، عایدات حاصل از انتشار باید فوراً و بدون محدودیت به صورتی در اختیار نهاد عملیاتی^{۴۴} یا شرکت هلدینگ در گروه تلفیقی قرار گیرد که ابزار مربوطه، همه معیارهای قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ را داشته باشد.

^{۴۱} انجام اختیار خرید ابزار بعد از پنج سال اما قبل از شروع دوره استهلاک تا زمانی که بانک اقدامی را که منجر به ایجاد این انتظار شود که خرید در آن زمان مربوطه انجام خواهد گرفت، انجام ندهد، به عنوان انگیزه بازخرید در نظر گرفته نمی شود.

^{۴۲} انتشار اوراق جایگزین می تواند همزمان و نه بعد از آنکه ابزارها برای بازخرید فراخوانده شوند، صورت پذیرد.

^{۴۳} حدود حداقل در اینجا به الزامات حداقلی تعیین شده توسط مقام ناظر باز می گردد که می تواند از حداقل الزامات رکن ۱ بال ۳ بیشتر باشد.

^{۴۴} یک نهاد عملیاتی به نهادی گفته می شود که به منظور انجام یک فعالیت تجاری با مشتریان به منظور کسب سود شکل گرفته باشد.



صرف سهام ناشی از انتشار ابزارهایی که در سرمایه لایه ۲ قرار می‌گیرند؛

۵۹. صرف سهام که واجد شرایط قرار گرفتن در سرمایه لایه ۱ نباشد، تنها زمانی مجاز به قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ است که سهام موجد صرف سهام مزبور، مجاز به قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ باشد.

ذخایر عمومی (برای بانک‌هایی که از رویکرد استاندارد برای ریسک اعتباری استفاده می‌کنند)

۶۰. ذخایری که برای محافظت در برابر زیان‌های آینده که در حال حاضر شناسایی نشده‌اند نگهداری می‌شوند به آسانی جهت پوشش زیان‌هایی که متعاقباً حادث می‌شوند در دسترس می‌باشند و بر این اساس امکان قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ را دارند. ذخایر اختصاصی که در مقابل زیان‌های وارده بر دارایی‌های مشخص یا بدهی‌های شناسایی شده، به صورت انفرادی یا گروهی در نظر گرفته می‌شوند، نباید در سرمایه لایه ۲ لحاظ شوند. علاوه بر این، ذخایر عمومی که حایز شرایط قرار گرفتن در سرمایه لایه ۲ می‌باشند حداکثر به میزان ۱,۲۵ درصد دارایی‌های موزون به ریسک محاسبه شده بر اساس رویکرد استاندارد، در سرمایه لایه ۲ لحاظ می‌شوند.

مازاد کل ذخایر قابل قبول تحت رویکرد رتبه‌بندی داخلی

۶۱. در شرایطی که مجموع مبالغ زیان مورد انتظار کمتر از مبالغ ذخایر قابل قبول باشد، همچنان که در بندهای ۳۸۰ تا ۳۸۳ ویرایش جامع بال (۲) مربوط به ژانویه سال ۲۰۰۶، عنوان شده است، بانک‌ها می‌توانند تفاوت مذکور را حداکثر تا میزان ۰,۶ درصد از دارایی‌های موزن شده به ریسک اعتباری تحت رویکرد IRB، در سرمایه لایه ۲ شناسایی نمایند. بنا به صلاح‌دیدهای ملی، حدود کمتر از ۰,۶ درصد نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.



۴. حقوق اقلیت (به معنی حقوق شخصیت‌هایی که قدرت اعمال کنترل ندارند) و سایر ابزارهای سرمایه منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق که توسط اشخاص ثالث نگهداری می‌شود.

سهام عادی منتشر شده توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق

۶۲. حقوق اقلیت که از انتشار سهام عادی توسط واحد تابعه بانک که به طور کامل مشمول تلفیق

است، ایجاد می‌شود، می‌تواند در صورت احراز شرایط زیر، به عنوان سرمایه عادی لایه ۱ شناسایی گردد: (۱) در صورتی که ابزار سرمایه‌ای که منجر به ایجاد حقوق اقلیت می‌گردد، توسط بانک منتشر شده باشد، باید کلیه معیارهای ذکر شده برای طبقه‌بندی به عنوان سهام عادی در جهت اهداف سرمایه نظارتی را داشته باشد؛ و (۲) واحد تابعه که ابزار را منتشر کرده، خود یک بانک باشد^{۴۵}،^{۴۶} کل میزان حقوق اقلیت که حایز معیارهای فوق هستند و به عنوان سرمایه عادی لایه ۱ تلفیقی شناسایی می‌شوند، به روش زیر محاسبه می‌گردد:

➤ تمام حقوق اقلیت که حایز دو ویژگی ذکر شده در بالا هستند، پس از کسر میزان مازاد سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه که متعلق به سهامداران اقلیت است.

➤ مازاد سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه این‌گونه محاسبه می‌شود که تمام سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه منهای حداقل مقادیر زیر می‌شود:

(۱) حداقل الزامات سرمایه عادی لایه ۱ واحد تابعه به اضافه سپر حفاظتی

سرمایه (یعنی ۷٪ دارایی‌های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات سرمایه عادی لایه ۱ تلفیقی به اضافه سپر

حفاظتی سرمایه (یعنی ۷٪ دارایی‌های موزون به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد

تابعه می‌باشد.

➤ میزان مازاد سرمایه عادی لایه ۱ که متعلق به سهامداران اقلیت است به این‌گونه محاسبه

^{۴۵} در خصوص این بند لازم به ذکر است، هر نهادی که مقید به رعایت حداقل استانداردهای احتیاطی و سطحی از اعمال نظارت مانند سایر بانک‌ها باشد، به عنوان بانک تلقی می‌گردد.

^{۴۶} حقوق اقلیت شکل گرفته در یک واحد تابعه که خود بانک است، در صورتی که بانک مادر یا بانک وابسته به منظور تأمین مالی مستقیم یا غیر مستقیم سرمایه‌گذاری اقلیت در واحد تابعه چه از طریق یک شرکت SPV و چه از طریق سایر روش‌ها، سازوکاری انجام داده باشد به طور کامل از محاسبه در سهام عادی بانک کنار گذاشته می‌شود. رویکرد ذکر شده در بالا به طور کامل قابل اجرا است در صورتی که تمام سرمایه‌گذاری اقلیت در واحد تابعه بانک بیانگر میزان مشارکت واقعی شخصی ثالث در سهام عادی واحد تابعه بوده باشد.



می‌گردد که مازاد سرمایه عادی لایه ۱ ضرب می‌شود در درصد سرمایه عادی لایه ۱ که توسط سهامداران اقلیت نگهداری می‌شود.

سرمایه لایه ۱ قابل قبول که توسط واحد تابعه مشمول تلفیق منتشر شده است

۶۳. ابزارهای سرمایه‌ای لایه ۱ منتشره توسط واحد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است و در اختیار سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌باشند (که شامل مقادیر ذکر شده در بند ۶۲ نیز می‌باشد) تنها در صورتی که ابزارهای مذکور توسط بانک منتشر شده و تمامی معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سرمایه لایه ۱ را داشته باشند، می‌توانند به عنوان سرمایه لایه ۱ شناسایی شوند. میزان این سرمایه که به عنوان سرمایه لایه ۱ شناسایی می‌شود به روش زیر محاسبه می‌گردد:

- کل سرمایه لایه ۱ واحد تابعه که منتشر شده و در اختیار اشخاص ثالث است منهای میزان مازاد سرمایه لایه ۱ واحد تابعه متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث، می‌گردد.
- مازاد سرمایه لایه ۱ واحد تابعه به اینصورت محاسبه می‌شود که سرمایه لایه ۱ واحد تابعه منهای حداقل مقادیر زیر می‌گردد:

(۱) حداقل الزامات سرمایه لایه ۱ واحد تابعه به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۸,۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات سرمایه لایه ۱ تلفیقی به علاوه سپر حفاظتی سرمایه (یعنی ۸,۵٪ دارایی‌های موزون به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد تابعه می‌باشد.

- میزان مازاد سرمایه لایه ۱ که متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌باشد برابر است با حاصل ضرب مازاد سرمایه لایه ۱ در درصد سرمایه لایه ۱ که توسط سرمایه‌گذاران شخص ثالث نگهداری می‌شود.

این میزان سرمایه لایه ۱ که به عنوان سرمایه اضافی لایه ۱ شناسایی می‌شود، میزان سرمایه عادی لایه ۱ که بر اساس بند ۶۲ شناسایی شده است را در بر نمی‌گیرد.



سرمایه لایه ۱ و لایه ۲ قابل قبول که توسط واحدهای تابعه مشمول تلفیق منتشر شده است

۶۴. تمام ابزارهای سرمایه‌ای (ابزارهای سرمایه‌ای لایه ۱ و لایه ۲) که توسط نهاد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است و در اختیار سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌باشد (و دربردارنده مقادیر ذکر شده در بندهای ۶۲ و ۶۳ نیز می‌باشد) فقط در صورتی که ابزارهای مذکور توسط بانک منتشر شده باشد و تمامی معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سرمایه لایه ۱ یا سرمایه لایه ۲ را داشته باشند، می‌تواند به عنوان تمام سرمایه بانک شناسایی شود. میزان این سرمایه که در تمام سرمایه تلفیقی شناسایی می‌شود به روش زیر محاسبه می‌شود:

- تمام ابزارهای سرمایه‌ای واحد تابعه که منتشر شده و در اختیار اشخاص ثالث است منهای میزان مازاد کل سرمایه واحد تابعه متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث می‌گردد.
- مازاد تمام سرمایه واحد تابعه به اینصورت محاسبه می‌شود که تمام سرمایه واحد تابعه منهای کمترین میزان این دو مقدار می‌گردد:

(۱) حداقل الزامات سرمایه تمام واحد تابعه به علاوه سپر حفاظتی سرمایه

(یعنی ۵٪، ۱۰٪ دارایی‌های موزون به ریسک) و

(۲) نسبتی از حداقل الزامات مجموع سرمایه تلفیقی به علاوه سپر حفاظتی

سرمایه (یعنی ۵٪، ۱۰٪ دارایی‌های موزون به ریسک تلفیقی) که مربوط به واحد تابعه می‌باشد.

- میزان مازاد مجموع سرمایه که متعلق به سرمایه‌گذاران شخص ثالث است برابر است با حاصل ضرب مازاد مجموع سرمایه در درصد مجموع سرمایه که توسط سرمایه‌گذاران شخص ثالث نگهداری می‌شود.

میزان مجموع سرمایه که در سرمایه لایه ۲ شناسایی می‌شود، میزان سرمایه عادی لایه ۱ که بر اساس مفاد بند ۶۲ و نیز میزان سرمایه اضافی لایه ۱ که بر اساس بند ۶۳ شناسایی شده‌اند را در بر نمی‌گیرد.

۶۵. در صورتی که سرمایه‌ای که در اختیار اشخاص ثالث قرار دارد توسط شرکت‌های



سرمایه‌گذاری با اهداف خاص (SPV) منتشر شده باشد، هیچ مقداری از این سرمایه نمی‌تواند در سرمایه‌گذاری لایه ۱ محاسبه گردد. گرچه، چنین سرمایه‌ای می‌تواند در سرمایه‌گذاری اضافی لایه ۱ و سرمایه‌گذاری لایه ۲ تلفیقی قرار گیرد، در صورتی که خود بانک مستقیماً سرمایه‌گذاری مذکور را منتشر و در اختیار اشخاص ثالث قرار داده باشد و چنانچه سرمایه‌گذاری مذکور تمامی معیارهای لازم را دارا بوده و نیز تنها دارایی مربوط به SPV شامل سرمایه‌گذاری آن نهاد در سرمایه‌گذاری بانک به نحوی که حداقل حائز تمامی معیارهای مربوطه برای قرار گرفتن در سرمایه‌گذاری بوده باشد^{۴۷} (این معیارها شامل ۱۴ معیار ذکر شده برای سرمایه‌گذاری اضافی لایه ۱ و نیز ۹ معیار برای سرمایه‌گذاری لایه ۲ می‌باشند). در حالتی که سرمایه‌گذاری در اختیار اشخاص ثالث بواسطه شرکت SPV و از طریق یک واحد تابعه بانک که کاملاً مشمول تلفیق است منتشر شده باشد، مشروط بر رعایت الزامات ذکر شده در این بند و در صورتی که واحد تابعه خود مستقیماً آن را منتشر و در اختیار اشخاص ثالث قرار داده باشد، چنین سرمایه‌ای می‌تواند در سرمایه‌گذاری اضافی لایه ۱ و سرمایه‌گذاری لایه ۲ تلفیقی مطابق با شرایط ذکر شده در بندهای ۶۳ و ۶۴ قرار گیرد.

^{۴۷} دارایی‌هایی که مربوط به فعالیت عملیاتی شرکت SPV می‌باشند در صورتی که مقدار آن قابل توجه نباشد، می‌توانند از این ارزیابی کنار گذاشته شوند.